

شیرازه

پژوهشی درباره جغرافیای تاریخی

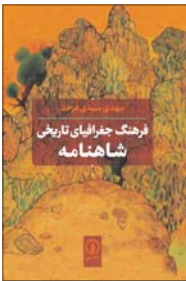
«شاهنامه»

شرق؛ «فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه» عنوان اثری پژوهشی است از مهدی سیدی‌فرخ‌د که به‌تازگی چاپ جدیدی از آن در نشر نی منتشر شده است. در این کتاب تمام «شاهنامه»، از آغاز پادشاهی کیومرث پیشدادی تا پایان پادشاهی یزدگرد سوم ساسانی، به دقت بررسی و همه اعلام جغرافیایی مندرج در این اثر استخراج و شناسایی و با شرح و توضیح کامل معرفی شده است. سیدی در ابتدای این کتاب توضیح داده که در «شاهنامه» از حدود ۶۲۰ موضع جغرافیایی (اعم از کشور، سرزمین، ولایت، شهر، دژ، قلعه، دریا، رود، کوه، بیابان، تل، تپه، چشمه و…) نام برده شده که از میان آنها حدود ۳۶۰ نام اصلی و بقیه فرعی و بذل هستند. به این معنا که مثلا نام اصفهان (عنوان اصلی) به صورت‌های فرعی و بذل سیاهان و اسپهان و اسفهان هم آمده است. بیشتر این عناوین و نام‌های جغرافیایی مربوط به ایران‌زمین (حوزه فرهنگی ایران بزرگ) اعم از خراسان و پارس و عراق و روارود، شامل شهرهایی مانند بلخ، مرو، نساپور، ری، شیراز، آردبیل، سمرقند و بخارا و… بوده و بقیه هم در کشورها و سرزمین‌های هم‌جوار ایران (نیران) مانند چین، ماچین، هند، ترکستان و ماورای خزر و روم و سرزمین‌های عربی قرار داشته‌اند. در نتیجه نام‌های یادشده در «شاهنامه» عمدتا متعلق‌اند به کشورهای فعلی ایران، افغانستان، پاکستان، هندوستان، چین، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ارمنستان، گرجستان، جمهوری آذربایجان، ترکیه، سوریه، اردن، عراق، عربستان، عمان، یمن، مصر و حتی روم یونان و روسیه. اگر نگاهی اجمالی به پیشینه تاریخی این کشورها و سرزمین‌ها بیندازیم، خواهیم دید که طی چند هزار سال شکل‌گیری داستان‌ها و وقایع «شاهنامه» ده‌ها قوم و قبیله و گروه‌های نژادی و دینی و زبانی متفاوت یکی پس از دیگری این سرزمین‌ها را تصرف کرده و بعد در آنها مانده یا از آنها رفته‌اند. پیداست که زبان و فرهنگ هر قوم و گروهی، بسته به مدت ماندگاری‌شان در این سرزمین‌ها و سلیقه و مصالح قومی ایشان، بر نام‌های جغرافیایی تأثیر گذاشته و آنها را دگرگون یا محو کرده و نام‌های جدیدی را جایگزین نام‌های قدیم و اصل جغرافیایی کرده است. برای مثال، ساسانیان کوشیده‌اند نام‌های مربوط به قوم پارت و حکومت اشکانیان را مثل تاریخ آنها محو یا «ساسانیزه» کنند، چنان‌که نام پرتوه یا پرتَوه (سرزمین قوم پارت) را به خراسان تبدیل و حتی نام آرش، قهرمان اساطیری و تاریخی اشکانیان را از شاهنامه حذف کرده‌اند. ساسانیان اصلا خدای‌نامه را بازنویسی و در نام‌های جغرافیایی آن تغییر و تبدیل ایجاد کرده و با نام‌های مرسوم زمان خود انطباق داده‌اند.

کتاب «فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه» اگرچه در اصل پژوهشی درباره «شاهنامه» است اما محدوده زمانی آن به عهد تصنیف «شاهنامه» ختم نمی‌شود، زیرا دگرگونی‌ها و تغییراتی هم که تا به امروز در نام و عنوان مواضع جغرافیایی رخ داده، در آن لحاظ شده است. به‌گونه‌ای که اگر از کوه و چشمه و دریا و شهری از زمان پیشدادیان و ضحاک نام برده شده، اوضاع آنها تا زمان حاضر با استناد به منابع بعد از ساسانیان و نیز بر اساس پژوهش‌های میدانی خودمان معلوم و معرفی شده است. از این رو علاوه بر «شاهنامه» و منابع جغرافیایی و تاریخی مربوط به آن، کتب دینی و عرفانی و دیگر اسناد مکتوب نیز از نظر نویسنده دور نمانده‌اند. در نهایت، پیمایش و کاوش میدانی در ایران و ممالک هم‌جوار (عرصه جغرافیایی «شاهنامه») مکمل پژوهش کتابخانه‌ای بوده است. نقشه جامعی هم که در کتاب ضمیمه شده است، خوانندگان را در شناسایی مواضع جغرافیایی شاهنامه یاری می‌دهد.

مهدی سیدی در بخشی دیگر از کتاب به این نکته هم اشاره کرده که بعضی اسنادل می‌کنند چون «شاهنامه» اثری اساطیری، حماسی و ادبی است، نمی‌توان انتظار داشت که جغرافیای آن عینی و واقعی باشد. اما او معتقد است که این اسندلال و دعوی با واقعیت چندان جور در نمی‌آید. در بخش اساطیری «شاهنامه» که شامل دوره پیشدادیان، از کیومرث تا جمشید است، از هیچ شهر و کشور و آبادی‌بومی نام برده نشده، چراکه خود «شاهنامه» مدعی است ایرانیان در زمان کیومرث کوشش‌نشین بودند تا شاهشان «به کوه اندرون است ساخت جای» و تازه در زمان هوشنگ بود که آتش کشف شد و او «به آتش ز آهن جدا کرد سنگ». تنها از زمان طهمورث، آن‌هم با کمک دیوان، خانه و شهرسازی رایج شد و از زمان جمشید ساخت ابزار و شهرسازی ممکن شد. پس منطقی است که در آن برهه از هیچ شهر و آبادی و دژ و قلعه‌ای در ایران‌زمین نام برده نشود. اما با ظهور ضحاک تازی که فرزند مرداس‌نامی از «دشت سواران نیزه‌گزار» (موطن تازیان و یهودیان، بوده و بر ایرانیان غالب شده است، سخن از بنا و سکونتگاهی می‌شود که ایوان ضحاک و

کنک‌دزوخت نام داشته و بیرون از ایران‌زمین (در بیت‌المقدس) بوده است؛ ضمن داستان از جغرافیای بین‌النهرین، موطن بابلی‌ها، ازجمله ارنودرد و شهر بغداد هم نام برده شده است. در بخشی دیگر از این کتاب می‌خوانیم: «در همان بخش ابتدایی و اساطیری شاهنامه وقتی از انیران یا سرزمین‌ها و ممالک بیرون از ایران سخن به میان می‌آید، جغرافیای حوادث و داستان‌ها هم به پیچیدگی و اسطوره می‌گرید. در داستان فریدون، از تقسیم جهان سه‌سده بخش‌توران و روم و ایران میان سه‌پسر او سخن می‌رود که پدوا امری نامعقول و افسانه‌ای به نظر می‌رسد. اما وقتی به جدال سه‌پسر فریدون -ایرج، تور، سلم- بر سر قلمروهایشان می‌نگریم، درمی‌یابیم که غرض از ایران همان خطه شمال غرب ایران (شاید موطن کاسی‌ها و آسیانی‌ها که قبیل از آریایی‌ها به این خطه آمده‌اند، یا مادها) است و منظور از توران و روم هم سرزمین‌های مجاور یا شمال‌کوه‌های قفقاز است که دیگر اقوام کوشیدند آن طریق از آنها به این سوی نیکمره شمالی و مناطق نسبتا گرمسیر آسیا وارد شوند. به همین دلیل محل جنگ و ستیز ایرج با تور و سلم تنها خطه الانان (الران، اران بعدی)، دریای گیلان و نیز قلعه‌ای به نام الانی‌دز محسوب شده است؛ خاستگاه لشکرهای ایرج و بعد هم نواش منوچهر را نیز تنها شهرهای آمل، ساری و تمیشه دانسته‌اند. به عبارتی، جهان آن روز یا جهان داستانی شاهنامه در آن روزگار، خلاصه می‌شده است به منطقه قفقاز (الانان) و دریای گیلان (خزر) و این سوی رشته‌کوه قاکاز (قاف). تور و لشکر تورانی‌اش در جهان شاهنامه چنان به سلم و لشکر رومی‌اش نزدیک‌اند که گویی توران و روم هم‌جواریند. در سراسر داستان فریدون، تنها از این مواضع نام برده شده است: ایران، توران، روم، الانان، الانی‌دز، دریای گیلان، آمل، تمیشه و ساری. در همسایگی ایران و قلمرو فریدون هم یمن تنها کشور و مملکت آباد جهان است که فریدون سه دختر شاه آن را به همسری سه‌پسر خویش برمی‌گزیند.



فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه

مهدی سیدی‌فرخ‌د

نشر نی

بخش مهمی از ادبیات داستانی ایران در دوره‌ای که نوسازی امرانه رضاشاه در جریان بود به روشنی شکاف‌های اجتماعی شکل‌گرفته در جامعه ایران را به نمایش گذاشته‌اند. مدرنیزاسیون آن دوره، به قول کوروش اسدی، شتابی باورنکردنی و زورکی داشت و تصویر واقعی‌تر از این دوره را می‌توان در ادبیات داستانی آن دوره پیدا کرد که برخلاف تصویر کلیشه‌ای و جعل‌شده‌ای است که به‌خصوص در سال‌های اخیر رواج یافته است. فرایند معیوب مدرن‌سازی و وضعیت و موقعیت مردم فرودست در

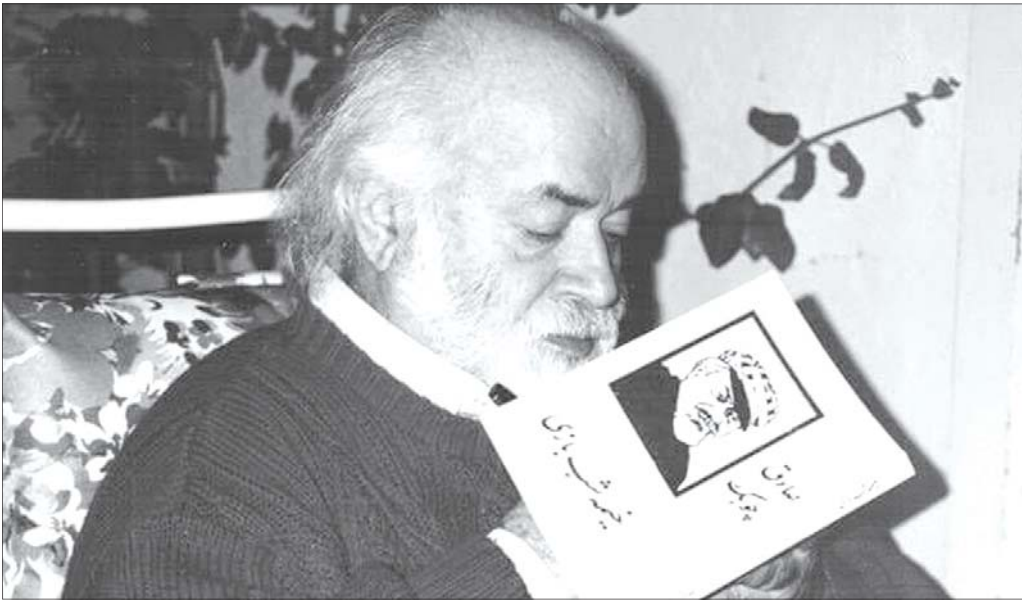
سال‌های ابتدایی مدرن‌سازی را نویسندگان آن دوره و نیز نویسندگانی که بعدها از آن دوره نوشتند به خوبی در آثارشان ترسیم کرده‌اند.

در داستان‌های این دوره جامعه‌ای تصویر می‌شود که اعماق آن را همچنان فقر و محرومیت و جهل و خرافه فرا گرفته است. گرچه چهره شهرها عوض شده اما زیر پوست این شهرهای جدید همان لای و لجن پیشین برقرار است و مردم فرودست در مواجهه با مظاهر مدرن‌سازی تنها حسرت می‌خورند و دست‌شان از مواهب زندگی نو کوتاه است.

در بسیاری از آثار داستانی‌ای که در آنها به وقایع سال‌های آغازین نوسازی تا ابتدای دهه چهل خورشیدی پرداخته شده، شهرها پر از مردمی است که با فقر فرهنگی و مادی دست‌به‌گریبان‌اند و از مواهب مادی و فرهنگی نوسازی چیز چندانی عایدشان نشده است. داستان‌های صادق چوبک نمونه‌های قابل توجهی در تصویرکردن زندگی مردم فرودست و مطرود و حاشیه‌ای جامعه ایران، به‌ویژه حاشیه‌نشینان شهرها و ساکنان محلات فقیرنشین است. حسن میرعبدینی معتقد است که چوبک «اعماق جامعه‌ای بیمار و اسیر خرافات را می‌کاود و تصویر هراسناک از آن به دست می‌دهد» و «با بیانی بی‌برده و فارغ از اخلاقیات متعارف، در جهت پرده‌برداشتن از بخش‌هایی از جامعه می‌کوشد که جامعه با ریاکاری درصدد پنهان نگه‌داشتن آنها است.

رضا براهنی در «قصه‌نویسی» می‌گوید اگر تمام شخصیت‌های قصه‌های چوبک را یک‌جا جمع کنیم، موزه‌ای از وحشت خواهیم داشت. ولگردها، تهیدستان و کارگران، مردان و زنان طردشده گرفتار فقر مادی و فرهنگی، کودکان کار و بچه‌های محروم از رفاه مادی از همان نخستین کتاب صادق چوبک، مجموعه داستان «خیمه‌شب‌بازی»، شخصیت‌های تقریبا ثابت آثار او می‌شوند. در داستان «پیراهن زرشکی» از این مجموعه زنان مرده‌شوری را می‌بینیم که هر کدام در فکر این هستند که پیراهن مرده‌ای از طبقه ثروتمند را از آن خود کنند. اینکه از رفاه، پیراهن مرده‌ای برای این فرودستان مانده، خود نمادی از جایگاه مردم فرودست در جامعه مدرن‌شده است. آنها جایی در این جامعه ندارند و از نوسازی تنها پیراهن مردگان مرفه برایشان مانده است و باید بر سر آن بچینند.

داستان «بدرز‌ظهر آخر پاییز» از همین مجموعه، اتفاقات از ذهن پسری روایت می‌شود که سرر کلاس درس دهنش به جاهای دیگر می‌پرد و صحنه‌هایی از فقر و تجاوز و تحقیر و کرسنگی را به یاد می‌آورد و به فاصله طبقاتی‌اش با دانش‌آموز دیگر می‌اندیشد. چوبک در بسیاری از داستان‌های دیگرش نیز به مسائل کودکان محروم توجه نشان می‌دهد. کودکان کار و کودکان بی‌پناهی که به آنها تجاوز می‌شود در داستان‌های مختلف چوبک حضور دارند. داستان «بیچی»، باز هم از مجموعه «خیمه‌شب‌بازی»، درباره پسری روزنامه‌فروش به نام یحیی است که باید روزنامه «دبلی‌نیوز» را بفروشد. تلفظ اسم روزنامه برای پسری کوچک و



چوبک و نیمه تاریک تجدد آمرانه



پیام حیدرقزوینی

کم‌سواد، یا شاید بی‌سواد، سخت است. او روزنامه‌فروش است اما خود حتی نمی‌تواند اسم آنچه را که می‌فروشد تلفظ کند و این نمودی از مواجهه و رابطه کودکان کار، و به طور کلی‌تر مردم فرودست، با مظاهر مدرنیته در جامعه‌ای است که به زور نو شده است، اما تهیدستانش کوچک‌ترین سهمی از این نوسازی ندارند و کودکان تهیدست این جامعه مجبورند به خاطر فقر کار کنند. یحیی حین فروش روزنامه نام آن را یکسره از یاد می‌برد و به جای «دبلی‌نیوز» فریاد می‌زند: «پریموس! پریموس!».

در داستان‌های چوبک هیچ رد و نشانی از تأثیرات مثبت نوسازی نیست. شهرها رنگ و جلایی نو گرفته‌اند و نهادهای مدرن تأسیس شده‌اند، اما مردم فرودست همچنان در کل و لای دست و پا می‌زنند و سهمی از مدرن‌سازی به آنها نمی‌رسد. چوبک در داستان «انتری که لوطیش مرده بود» تمثیلی از جامعه‌ای به دست می‌دهد که استبداد چنان در آن نهادینه شده که مردم آن جامعه شکل دیگری از زندگی را متصور نیستند و با مرگ زمامدار مستبد گویی احساس سردرگمی و بی‌پناهی می‌کنند و همچنان گرد نعلش او پرسه می‌زنند. «سنگ صبور»، آخرین اثر داستانی صادق چوبک، هم به لحاظ مضمون و هم فرم و ساختار نقطه اوج کار او است. چوبک در این رمان به دوران سختی کار خود رسیده است. براهنی درباره این داستان نوشته است: «بهترین شخصیت‌هایش را در بهترین شکل، وارد بهترین قصه‌اش یعنی سنگ صبور کرده است؛ و تکنیک قصه‌اش، طوری است که گویی این شخصیت‌ها یکدیگر را محاکمه می‌کنند.»

در «سنگ صبور» با مجموعه‌ای از همه دغدغه‌ها و آدم‌هایی مواجهیم که چوبک پیش از آن در داستان‌های مختلفش به آنها پرداخته بود. چوبک آدم‌های مطرود خود را در این رمان در اتاق‌های اجاره‌ای خانه‌ای در شیراز دوران حکومت رضاشاه گرد آورده است. «سنگ صبور» رمانی است با چند راوی که همگی به نحوی گرفتار فقر و محرومیت‌اند؛ از محرومیت جنسی گرفته تا محرومیت از رفاه مادی و اجبار به تن‌فروشی. راویان مختلف این رمان از کم‌شدن یکی از همسایگان خود به نام گوهر سخن می‌گویند. گوهر زنی روسپی است که چند روزی است از خانه بیرون رفته و برگشته است. او در گذشته همسر سوگلی مردی مرفه بوده، چون برای شوهرش پسر زاییده است. روزی اما هنگام زیارت دوستی که به‌مدام کودک می‌خورد و پسر گوهر خون‌دماغ می‌شود. این را نشانه حرامزادگی کودک می‌گیرند و شوهر گوهر او و پسرش، کاکل‌زری، از آن خانه بیرون می‌اندازد. گوهر که علاوه بر کاکل‌زری، مادر پیری هم، به نام جهان‌سلطان، در خانه دارد برای امرار معاش مجبور به تن‌فروشی می‌شود. اکنون او کم شده و پسر و مادرش تنها و بی‌پناه در خانه مانده‌اند. معلوم می‌شود که گوهر به دست سیف‌القلم‌نامی که قاتل زنجیره‌ای زنان روسپی است، به قتل رسیده است.

براهنی همچنین می‌گوید که چوبک در «سنگ صبور»، زندگی شبانه ملت ما را در دهه‌های نخستین قرن چهاردهم هجری ارانه داده است. در «سنگ صبور» با شخصیت‌هایی مواجهیم که انواع محرومیت‌ها آنها را گرفتار بغض و نفرت و حسد و خشم و نومیدی و جنون کرده است. اینها همه روی تاریک عصر نوسازی و محرومیت فرودستان از تجدد آمرانه را نمایان می‌کند. ظاهر جامعه نو شده است اما در اعماق آن همچنان فقر و نابرابری و خرافه و جهل و خفقان بیاد می‌کند.

روایت روانکاوانه ترس

از جنگ داخلی اسپانیا است به‌خصوص، بهترین آنان که در اسپانیا مانده‌اند. اسپانیای سلا، کشوری که دوران نوین خود را با جنگ داخلی آغاز می‌کند، اسپانیای جاودانه نیست. اسپانیای او اسپانیای افسانه‌ها نیست، اسپانیای سنت‌ها نیز نیست. اما با این‌همه، نثر او، حتی نثر بسیار شاعرانه آثار متأخرش، در حیطه زبان رسمی و فکثاری اسپانیای افسانه‌ای و سنتی می‌کنجد. زمین زبانش گرچه پاروک است، اما صدا به طراوت زبان روستایی است. زبان او آمیزه زبان دون کیشوت و سانچو پانزا است.

«خانواده پاسکوال دوارته» اولین‌بار در سال ۱۹۴۲ در مادرید و بوگوس منتشر شد. در توضیحات کتاب به این موضوع هم توجه شده که «بیگانه» کامو نیز در همین سال چاپ شد. شاید بی‌دلیل نیست که این هر دو کتاب درباره قتل بی‌هدف است. هر دو کتاب مانند دو ناقوس بزرگ برطنین بانگ خلایی معنوی را سر می‌دهند. نواهاشان از دشت خالی جان برمی‌خیزد. نواها زنگ‌دار هستند، اما درعین‌حال پوک و توخالی. آری، به دلیلی موسیقایی، این پوکی بهتر از بُری است. این پوکی، این تحلیل‌رفتن، به سیاهی در آفتاب می‌ماند، به قدرت و صلابت آفتابی سیاه. پس پشت و وری هر دو کتاب، مغاک جنگی که به اوج رسیده و انزوای سوزان پس از آن موج می‌زند.

مترجم کتاب نوشته که «خانواده پاسکوال دوارته» را می‌توان بررسی روانکاوانه ترس دانست: خشونت ترس. واضح‌تر بگوییم، خشونت ترس و خُبِن، و احساس گناه نسبت به بزرگوس منتشر شد. در توضیحات کتاب به این موضوع هم توجه شده که «بیگانه» کامو نیز در همین سال چاپ شد. شاید بی‌دلیل نیست که این هر دو کتاب درباره قتل بی‌هدف است. هر دو کتاب مانند دو ناقوس بزرگ برطنین بانگ خلایی معنوی را سر می‌دهند. نواهاشان از دشت خالی جان برمی‌خیزد. نواها زنگ‌دار هستند، اما درعین‌حال پوک و توخالی. آری، به دلیلی موسیقایی، این پوکی بهتر از بُری است. این پوکی، این تحلیل‌رفتن، به سیاهی در آفتاب می‌ماند، به قدرت و صلابت آفتابی سیاه. پس پشت و وری هر دو کتاب، مغاک جنگی که به اوج رسیده و انزوای سوزان پس از آن موج می‌زند. مترجم کتاب نوشته که «خانواده پاسکوال دوارته» را می‌توان بررسی روانکاوانه ترس دانست: خشونت ترس. واضح‌تر بگوییم، خشونت ترس و خُبِن، و احساس گناه نسبت



خانواده پاسکوال دوارته

کامیلو خوسه سلا

ترجمه فرهاد غُبرایی

نشر ماهی

دانست.»

عطف

روان‌شناسی سازمانی

«مارهای کت و شلواری» با عنوان فرعی «وقتی سایکوپات‌ها سر‌کار می‌روند» عنوان کتابی است از پل بایباک و رابرت هیر که با ترجمه داود معنوی‌پور در نشر خرد مانوشان منتشر شده است. این کتاب را که می‌توان در دسته آثار روان‌شناسی سازمان قرار داد، اثری است که به بررسی حضور و تأثیر افراد سایکوپات در دنیای کسب‌وکار مدرن می‌پردازد. پل بایباک روان‌شناسی است که در زمینه امور صنعتی-سازمانی مشغول به کار است و رابرت هیر نیز کارشناسی مشهور در زمینه روان‌پریشی است. آنها در این اثر بر روی این واقعیت نگران‌کننده دست گذاشته‌اند که افراد

روان‌پریش محدود به حوزه‌های جرم و جنایت نیستند، بلکه می‌توان آنها را در محیط‌های کسب‌وکار یافت که در آنجا به موقعیت‌هایی دست می‌یابند که دارای قدرت و نفوذ هستند. مترجم کتاب در بخشی از پیشگفتارش نوشته که این کتاب به ما کمک می‌کند تا با دقت بیشتری در محیط کار رفتار کنیم و نشانه‌هایی را هم در اختیارمان می‌گذارد تا به سادگی در جریان فریب‌کاری سایکوپات‌ها ناپود نشویم. همچنین سلاح‌های لازم برای مقابله با این گروه خطرناک را در اختیارمان قرار می‌دهد. «مارهای کت و شلواری» بر اساس ترکیبی از نظریه‌های روان‌شناختی، مطالعات مبروردی و توصیه‌های عملی نوشته شده است. یکی از موضوعات اصلی کتاب، مفهوم «روان‌پزشک شرکتی» است. نویسندگان این اصطلاح را برای افرادی به کار می‌برند ناپود نشویم. همچنین سلاح‌های لازم برای مقابله با این گروه خطرناک را در اختیارمان قرار می‌دهد. «مارهای کت و شلواری» بر اساس ترکیبی از نظریه‌های روان‌شناختی، مطالعات مبروردی و توصیه‌های عملی نوشته شده است. یکی از موضوعات اصلی کتاب، مفهوم «روان‌پزشک شرکتی» است. نویسندگان این اصطلاح را برای افرادی به کار می‌برند ناپود نشویم. همچنین سلاح‌های لازم برای مقابله با این گروه خطرناک را در اختیارمان قرار می‌دهد. «مارهای کت و شلواری» بر اساس ترکیبی از نظریه‌های روان‌شناختی، مطالعات مبروردی و توصیه‌های عملی نوشته شده است.

نشان می‌دهند. برخلاف تصویر کلیشه‌ای از یک سایکوپات‌بعنوان فردی خشن و جنایت‌کار، سایکوپات شرکتی اغلب فردی کارزینماتیک و جاه‌طلب است که در هدایت سیاست‌های سازمانی مهارت دارد. نویسندگان کتاب نشان می‌دهند که چگونه این افراد می‌توانند در یک محیط شرکتی خرابی‌های بسیاری به بار آورند که اغلب تا زمانی که آسیب به سازمان وارد نشده، شناسایی نمی‌شوند. این افراد به طرز ماهرانه‌ای خود را شایسته و قابل اعتماد نشان می‌دهند و از جذابیت و دستکاری برای جلب اعتماد همکاران و مافوق استفاده می‌کنند. هنگامی که به مناصب قدرت می‌رسند، ممکن است در فعالیت‌های غیراخلاقی یا غیرقانونی مانند کلاهبرداری یا اختلاس شرکت کنند، درحالی‌که ظاهری محترم و مورد اعتماد دارند. این کتاب همچنین تأثیر مخرب این افراد بر سازمان‌ها و کارکنان را بررسی می‌کند. در بخشی از «مارهای کت و شلواری» می‌خوانیم: «سایکوپات‌ها فاقد همدلی و احتمالا ابتدایی‌ترین درک از احساسات انسانی هستند. مشخصاً، تأثیر اقتصادی و عاطفی رفتار خودخواهانه آنها بر دیگران برایشان بی‌اهمیت است، تا حدی به این دلیل که معتقدند همه در این دنیای سگی به اندازه آنها حریص و بی‌احساس‌اند. همچنین به نظر می‌رسد که آنها قادر به ساخت یک تصویر عاطفی دقیق از دیگران نیستند و به اشتباه به این نتیجه می‌رسند که زندگی عاطفی دیگران به اندازه زندگی آنها کم‌عمق و بی‌ثمر است. افراد در دنیای ذهنی خود چیزی جز ابزارها، اهداف و موانع نیستند. سایکوپات‌ها همچنین فاقد احساس پشیمانی و قصورند، یعنی بخشش از حس اخلاق درونی که مانع از انجام‌دادن برخی از تخیلاتی می‌شود که گاه‌گه درباره استفاده، دستکاری یا آسیب‌رساندن به دیگران داریم. برخی ممکن است بگویند که چنین صفات درنده‌خوبی مؤثری در سایکوپات‌ها به خاطر نداشتن شک و تردید و نگرانی‌های ناشی از وجود وجدان است.»



مارهای کت و شلواری

پل بایباک و رابرت هیر

ترجمه داود معنوی‌پور

نشر خرد مانوشان